

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**امام علیه السلام با فضایل بسیار
و مظلومیت بی شمار**

۳ مرداد ۱۳۸۶

۱۰ رجب المرجب ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴾^(۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و وسیله‌ای برای
تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید .

مقدمه:

در شامگاه دهم رجب و میلاد مسعود حضرت جواد الائمه علیه السلام و در آستانه
میلاد مبارک و میمون مولود کعبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داریم .
مسیر بحث که در رابطه با تفسیر آیات ولایت و امامت بود را به گونه‌ای
تنظیم می‌نماییم ، تا از سیر بحث خارج نگردیم و در ضمن این ایام و مناسبت‌ها را
ارج نهیم .

۱-سوره مائده، آیه ۳۵ .

ایمان به غیب، نشانه متقین:

بسیاری از اموری که در عالم آفرینش روی می‌دهد خارج از توان و قدرت بشری و فوق‌طور^(۱) عقل و عادت اوست. بسیاری از این امور از محدوده حواس و ادراکات عادی و طبیعی بشر خارج است، اما مسلمانان به حوادثی از این قبیل ایمان و اعتقادی راسخ دارند.

خداوند متعال یکی از ویژگیهای مؤمنین را باور داشتن به مسائلی از این دست بر می‌شمارد.

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^(۲).

این کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزگاران است * (پرهیزگاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند و نماز برپا می‌دارند و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. ایمان و باور داشتن به حوادثی خارج از توان بشری، غیر عادی و بیرون از روال طبیعی را ایمان به غیب می‌نامند.

نمونه‌های از این موارد در قرآن کریم ذکر شده است که ما به طور اجمالی سه نمونه را بیان می‌نماییم:

۱- طور، حد، اندازه (فرهنگ معین).

۲- سوره بقره، آیات ۴ و ۳.

ابراهیم علیه السلام در گلستان:

حضرت ابراهیم علیه السلام قوم خود را به یکتا پرستی دعوت نمود، اما آنان دعوت وی را نپذیرفتند و از پیروی وی سرباز زدند. روزی که همگی برای جشن به خارج از شهر رفته بودند، حضرت ابراهیم علیه السلام به بتخانه رفت و همه بتها را خرد کرد و تبر را بر دوش بزرگترین بت گذارد. هنگامی که مردم به شهر باز گشتند و بتها را در آن وضع دیدند، دریافتند که کار حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُّهُمُ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ﴾^(۱).

گروهی گفتند: شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند.

سپس تصمیم گرفتند ابراهیم علیه السلام را بر این گستاخی و جسارت به آتش

بسوزانند.

﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ﴾^(۲).

گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است.

به دستور نمرود هیزم فراوانی جمع کردند و آن را آتش زدند. شعله‌های آتش آنقدر مهیب بود، که کسی یارای نزدیکی به آن را نداشت. سرانجام منجنیقی^(۳) ساختند و به وسیله آن حضرت ابراهیم علیه السلام را به سوی آتش پرتاب

۱- سوره انبیاء، آیه ۶۰.

۲- سوره انبیاء، آیه ۶۸.

۳- منجنیق: آلتی مرکب از فلاخنمانندی بزرگ که بر سر چوبی قوی تعبیه می‌شد و در جنگهای قدیم بوسیله آن سنگ و آتش بطرف دشمن پرتاب می‌کردند (فرهنگ معین).

کردند، اما خواست و اراده خداوند متعال چیز دیگری بود. آتشی که طبیعت و عادتش سوزاندن و افروختن است به دستور الهی سرد شد، بگونه‌ای که حضرت ابراهیم علیه السلام در درون آتش بخود لرزید و با دستور دیگری از جانب قادر متعال سرمای آتش ملایم گردید.

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾^(۱).

ای آتش بر ابراهیم علیه السلام [سرد و سالم باش.

به دلیل اینکه داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و گلستان شدن آتش بر وی در قرآن کریم ذکر شده است ما به این واقعه ایمان و اعتقاد داریم، و اگر هیچ مؤرخ این حادثه را نقل و یا تأیید نکند باز هم خللی در باورمان ایجاد نمی‌شود.

عصای موسی علیه السلام:

یکی دیگر از اتفاقات غیر طبیعی که در قرآن بیان شده است، داستان حضرت موسی علیه السلام می‌باشد. وقتی حضرت موسی علیه السلام به نبوت مبعوث گردید، قوم بنی اسرائیل را علیه ظلم و ستم فرعون شوراند و آنها را به گرد خود جمع کرد. فرعون پنداشت که حضرت موسی علیه السلام جادوگر است، پس بهترین ساحران و جادوگران را جمع کرد و از آنان خواست موسی علیه السلام را شکست دهند.

﴿فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^(۲).

سرانجام ساحران برای وعده گاه روز معینی جمع آوری شدند.

جادوگران به موسی علیه السلام گفتند: تو کار را آغاز می‌کنی یا ما نخست دست

۱- سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۲- سوره شعرا، آیه ۳۸.

به کار شویم؟

﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَن تَلْقَىٰ وَإِنَّا نَكُونُ أَوْلَٰئَ مَنْ أَتَىٰ﴾^(۱).

(ساحران) گفتند: ای موسی! آیا تو اوّل (عصای خود را) می‌افکنی، یا ما کسانى باشیم که اوّل بیفکنیم؟

حضرت موسی علیه السلام به آنان گفت: شما آغاز کنید. آنان چشم مردم را سحر و جادو کردند و مردم پنداشتند، عصا و ریسمانها تبدیل به مار و اژدها شده است.

﴿قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى﴾^(۲).

گفت: اوّل شما بیفکنید! در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می‌رسید که حرکت می‌کند!

حضرت موسی علیه السلام چون جادوی، ساحران را دید اندکی به هراس افتاد.

﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ﴾^(۳).

موسی علیه السلام [ترس خفیفی در دل احساس کرد.

خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام فرمود به خود بیم و هراس راه نده،

تو بر آنان پیروز خواهی شد. حضرت موسی علیه السلام به دستور الهی عصای خود را انداخت. عصای موسی علیه السلام سحر جادوگران را بلعید. حضرت موسی علیه السلام باید عصای خود را می‌گرفت ولی از این کار بیم داشت. دستور آمد:

۱- سوره طه، آیه ۶۵.

۲- سوره طه، آیه ۶۶.

۳- سوره طه، آیه ۶۷.

﴿ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴾^(۱).

گفت: آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش باز می‌گردانیم. این حادثه نیز در قرآن ذکر شده است و باور به آن جز عقاید مسلمانان می‌باشد و هیچ مسلمانی در دل خود اندک تردیدی در وقوع این رویداد راه نمی‌دهد.

عیسی علیه السلام پیامبری در گهواره:

داستان حضرت عیسی علیه السلام دارای اتفاقات بسیار نادری می‌باشد، حضرت مریم علیه السلام بطور نا متعارف و بدون همسر باردار شد. مردم ایشان را ملامت کردند و گفتند:

﴿ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا ﴾^(۲).

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بد کاره‌ای. حضرت مریم علیه السلام به گهواره اشاره کرد.

﴿ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴾^(۳).

(مریم) به او اشاره کرد، گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم!؟

در این هنگام حضرت عیسی علیه السلام که از تولدش چند روزی گذشته بود،

فرمود:

۱- سوره طه، آیه ۲۱.

۲- سوره مریم، آیه ۲۸.

۳- سوره مریم، آیه ۲۹.

﴿إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾^(۱).

(ناگهان عیسی [علیه السلام] زبان به سخن گشود و) گفت: من بنده خدایم، او

کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است.

باردار شدن غیر طبیعی حضرت مریم علیها السلام و سخن گفتن و ادعای نبوت

حضرت عیسی علیه السلام در گهواره از باورهای یک مسلمان به شمار می‌رود.

امیرالمؤمنین علیه السلام مولود کعبه:

بعد از بیان مواردی از امور غیر عادی که در قرآن مجید آمده است، به نقل

کیفیت ولادت مولود کعبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پردازیم.

تمام علماء شیعه و اهل تسنن متفق اند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در

شامگاه سیزده رجب در داخل خانه کعبه متولد شدند. شیخ مفید رحمته الله در ارشاد^(۲)،

شیخ طوسی رحمته الله در امالی^(۳) و علامه حلّی رحمته الله در کشف الحق^(۴) و علمای اهل

تسنن چون مسعودی در اثبات الوصیة^(۵)، دهلوی در سیرة الخلفاء^(۶)، حافظ ابو

عبدالله شافعی در کفایة الطالب^(۷)، ابن صباغ مالکی در فصول المهمة^(۸) و

۱- سورة مریم، آیه ۳۰.

۲- ارشاد، صفحه ۹.

۳- امالی شیخ طوسی رحمته الله، صفحه ۷۰۷.

۴- کشف الحق، صفحه ۲۳۳.

۵- اثبات الوصیة، صفحه ۱۲۹.

۶- سیرة الخلفاء، به نقل از کتاب علی علیه السلام من المهد إلى اللحد.

۷- کفایة الطالب، صفحه ۴۰۶.

۸- فصول المهمة، صفحه ۱۲.

آلوسی^(۱) معترف اند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به نحوه‌ای غیر عادی در کعبه تولّد یافتند.

امام صادق علیه السلام در رابطه با ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«كان العباس بن عبدالمطلب و يزيد بن قعنب جالسين ما بين فريق بنى هاشم إلى فريق عبدالعزى بإزاء بيت الله الحرام؛ إذ أتت فاطمة بنت أسد بن هاشم، أم أمير المؤمنين علیه السلام وكانت حاملةً بأمير المؤمنين علیه السلام تسعة أشهر وكان يوم التمام؛

عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یزید ابن قعنب روبروی خانه کعبه در میان بنی هاشم و طایفه عبدالعزى نشسته بودند. در این هنگام فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد الحرام شد. ایشان در ماه نهم بارداری به امیرالمؤمنین علیه السلام بود آن شب از شبهای بود که ماه کامل بود.

قال: فوقف بإزاء البيت الحرام وقد أخذها الطلق فرمت بطرفها نحو السماء وقالت: أي ربّ إني مؤمنة بك وبما جاء به من عندك الرسول وبكلّ نبيّ من أنبيائك وبكلّ كتاب أنزلته وإني مصدّقة بكلام جدّي إبراهيم الخليل وإته بنى بيتك العتيق؛

فاطمه در حالی که درد زایمان ایشان را فرا گرفته بود روبروی خانه کعبه ایستاده بود. به آسمان نیم نگاهی انداخت و گفت: پروردگارا! من به تو و هر چه فرستادگانت آورده‌اند و به هر کتابی که فرو فرستاده‌ای ایمان دارم، و سخن جدّم ابراهیم خلیل علیه السلام را تصدیق می‌کنم و او بود که خانه تو را ساخت.

فأسألك بحقّ هذا البيت ومن بناه وبهذا المولود الذي في أحشائي الذي
يكلّمني ويؤنّسني بحديثه ، وأنا موقنة أنّه إحدى آياتك ودلائلك ، لمّا
يسرّت عليّ ولادتي ؛

پروردگارا تو را سوگند می دهم به این خانه و به کسی که آن را ساخت
و به فرزندی که در درون خود دارم ، که با سخن گفتن با او خو گرفته ام
و من یقین دارم که او یکی از نشانه ها و آیات توست ، به دنیا آوردن او
را برای من آسان گردان .

قال العباس ... : فلما تكلمت فاطمة بنت أسد ودعت بهذا الدعاء رأينا
البيت قد انفتح من ظهره ودخلت فاطمة عليها السلام فيه وغابت من أبصارنا ثم
عادت الفتحة والتزقت بإذن الله ؛

عبّاس گفت : هنگامی که سخنان و دعاها ی فاطمه عليها السلام به پایان رسید ،
خانه کعبه را دیدیم که شکافته شد و فاطمه عليها السلام به درون آن رفت و از
دیدگان ما پنهان گشت سپس آن شکاف و رخنه به اذن خداوند به
صورت نخست بازگشت .

فرمنا أن نفتح الباب لتصل إليها بعض نسائنا فلم يفتح الباب ، فعلمنا أنّ
ذلك أمر من أمر الله تعالى وبقيت فاطمة عليها السلام ثلاثة أيام ؛

هر چه خواستیم که درب کعبه را باز کنیم تا زنان ما به یاری فاطمه عليها السلام
بشتابند ، نتوانستیم ، و دریافتیم این امر الهی است ، و فاطمه عليها السلام سه
روز در آنجا بود .

... فلما كان بعد ثلاثة أيام انفتح البيت من الموضع الذي كانت دخلت
فيه ، فخرجت فاطمة عليها السلام وعلي عليه السلام عليّ عليه السلام يديها .

پس از سه روز خانه کعبه دوباره از همان جایی که فاطمه علیها السلام وارد شده بود شکافته شد و ایشان در حالی که علی علیه السلام را در آغوش داشت خارج شد.

ثم قالت : ... أن الله تعالى اختارني وفضلني عليهما وعلى كل من مضى قبلي من نساء العالمين ، لأنني ولدت في بيته العتيق وبقيت فيه ثلاثة أيام ، آكل من ثمار الجنة ؛

سپس فاطمه علیها السلام گفت : ... خداوند متعال مرا برگزید و بر آسیه و مریم و زنان پیش از خودم ، برتری بخشید ، زیرا من در خانه خدا وضع حمل کردم و در آنجا سه روز ماندم و از میوه های بهشتی تناول می کردم .

... فلما رآه أبوطالب سرّ وقال عليّ عليه السلام : السّلام عليك يا أبه ورحمة الله وبركاته ؛

ابوطالب هنگامی که فرزندش را دید شادمان گشت و علی علیه السلام به او فرمودند : سلام و رحمت خدا بر تو باد ای پدر .

ثم دخل رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم فلما دخل اهتز له أمير المؤمنين عليه السلام وضحك في وجهه وقال : السّلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته ، ثم تسنح بإذن الله وقال : ﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ، قد أفلح المؤمنون * الذين هم في صلاتهم خاشعون * والذين هم عن اللغو معرضون * والذين هم للزكاة فاعلون ﴾ (۱)

۱-سوره مؤمنون، آیات ۴ و ۱.

سپس رسول الله ﷺ وارد شد، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ تکانی خوردند و در صورت ایشان خنده‌ای نمودند و باذن خداوند فرمودند: (بنام خداوند بخشنده بخشایشگر، مؤمنان رستگار شدند * آنها که در نمازشان خشوع دارند * و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند * و آنها که زکات را انجام می‌دهند).

... فقال رسول الله ﷺ أنت والله أميرهم وأنت والله دليلهم وبك يهتدون^(۱).

سپس رسول الله ﷺ فرمودند: بخدا سوگند تو امیر مؤمنان هستی و به خدا سوگند تو راهنمای آنان هستی و آنان بوسیله تو هدایت می‌شوند.

گروه زیادی شاهد شکافتن کعبه و واردن شدن فاطمه بنت اسد عَلَيْهَا السَّلَامُ در آن بودند. ورود ایشان از غیر باب بیت بود و در مدت سه روز هر چه تلاش کردند نتوانستند درب را باز کنند. همهٔ اینها برای این بود که در آینده کسی به سادگی نتواند این واقعه را داستانی خیال پردازانه بداند. ولادت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در داخل کعبه واقعیت و حقیقتی تاریخی است که هیچ یک از علمای اهل سنت یارای انکار آن را ندارد. انکار این واقعه برابر با انکار کتب معتبر و روایات صحیح اهل سنت خواهد بود.

یکی از نشانه‌های مؤمنان ایمان به غیب است. به همان مبنا و اساسی که پذیرفته‌ایم آتش برای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ گلستان گشت، عصای موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ سحر جادوگران را بلعید و حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بدون پدر متولد شد و در گهواره

۱- بحار الانوار، جلد ۳۵ صفحه ۳۶.

سخن گفت و ادّعی نبوّت کرد، به همان دلیل باور داریم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کعبه بدنیا آمدند و هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدند، آیاتی از قرآن مجید که هنوز نازل نشده بود را تلاوت نمودند.

تلاوت قرآن پیش از نزول :

پرسشی که ممکن است به ذهن آید این است که چگونه امیرالمؤمنین علیه السلام در بدو تولّد قرآن تلاوت نمودند؟ حال آنکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در حدود ده سال دیگر به نبوّت مبعوث می‌گردند. با کمی تأمل در آنچه بیان شد در خواهیم یافت که پاسخ این پرسش بسیار روشن است. به همان دلیلی که حضرت عیسی علیه السلام در گهواره ادّعی نبوّت می‌کند، امیرالمؤمنین علیه السلام در نوزادی قرآن تلاوت می‌نمایند. اگر تلاوت قرآن توسط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دور از ذهن و بعید است، ولادت حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر و ادّعی نبوّت او در گهواره بسیار دورتر از ذهن و عجیبت می‌باشد. اگر می‌توانید داستان عیسی علیه السلام را انکار کنید، ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در کعبه و تلاوت قرآن توسط ایشان را نیز انکار کنید. اگر امامت امام جواد علیه السلام در ۹ سالگی و امام هادی علیه السلام در ۴ سالگی و امامت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ۵ سالگی بعید است، ادّعی نبوّت در گهواره بسیار از ذهن دورتر می‌باشد و باور و اعتقاد به آن دشوارتر. ما به حکم ایمان و اعتقاد خود هیچ یک را انکار نمی‌کنیم.

لئمه علیه السلام دارای دو بُعد انسانی و نورانی :

برای روشن تر شدن مطلب باید به این نکته توجه کرد که ما برای حضرات

معصومین علیهم السلام دو مقام قائل هستیم. ۱ - مقام بشریت و انسانیت. ۲ - مقام وحی و نورانیت. خداوند متعال در قرآن کریم این دو جایگاه را بر شمرده است.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾^(۱).

بگو: من فقط بشری هستم مثل شما، (امتیازم این است) که به من وحی می شود.

کسی که دارای مقام وحی و نورانیت است، در همان روزهای نخست ولادت به نبوت مبعوث می گردد. یا در همان روزها به امامت می رسد و قرآن نازل نشده را تلاوت می کند و در دورانی که جنین است با مادر سخن می گوید. نقل است: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در رحم مادر بودند، روزی مادرشان همراه با جعفر به مسجد الحرام رفتند. پس از ورود، جعفر قصد کرد به سمت بتها برود. ناگهان امیرالمؤمنین علیه السلام از داخل رحم فریاد بر آوردند ای برادر! به کجا؟ و او را از رفتن به سوی بتها نهی فرمودند^(۲).

آری! هر پیامبر و امامی دارای دو جنبه می باشد. جنبه بشریت و جنبه نورانیت.

مشرکان اعتراض کردند که این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازار راه می رود.

﴿قَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ﴾^(۳).

گفتند: چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟

۱- سوره کهف، آیه ۱۱۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۳۵ صفحه ۱۷.

۳- سوره فرقان، آیه ۷.

خداوند در پاسخ به اعتراض مشرکان فرمود:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ﴾^(۱).

ما هیچ یک از رسولان را پیش تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خورند و در بازارها راه می‌رفتند.

همه پیامبران و امامان علیهم‌السلام به حکم اینکه انسان هستند، گرسنه و بیمار می‌شوند، احساس درد و ناراحتی می‌کنند و نیازهای جسمی و جنسی دارند. به عنوان نمونه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ خندق از شدت گرسنگی بر کمر خویش سنگ بستند^(۲).

اما اگر جنبه نورانیت آنان لحاظ شود، در نوزادی قرآن نازل نشده را می‌خوانند. آنان شاهد و تماشاگر آفرینش تمام مخلوقات هستند، لذا چیزی از آنان پنهان و غایب نیست.

امام باقر علیه‌السلام در رابطه با جایگاه ائمه علیهم‌السلام به محمد بن سنان می‌فرماید:

«ثم خلق جميع الأشياء وأشهدهم خلقها»^(۳).

سپس اشیاء دیگر را آفرید و آنان را شاهد بر خلقت موجودات قرار داد.

امام جواد علیه‌السلام در خردسالی:

زکریا بن آدم^(۴) که از روایت معتبر است می‌گوید:

- ۱- سوره فرقان، آیه ۲۰.
- ۲- بحار الانوار، جلد ۲۰ صفحه ۱۹۸.
- ۳- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۵.
- ۴- زکریا بن آدم از اصحاب خاص امام رضا علیه‌السلام می‌باشد. روزی شخصی خدمت امام علیه‌السلام ←

«إني لعند الرضا عليه السلام إذ جيء بأبي جعفر عليه السلام وسنه أقل من أربع سنين ،
فضرب بيده إلى الأرض ورفع رأسه إلى السماء فأطال الفكر ؛
خدمت امام رضا عليه السلام بودم ، که امام جواد عليه السلام را آوردند در حالی که
سن او کم تر از چهار سال بود . او با دست خود به زمین زد و به آسمان
نگریست و به فکر فرو رفت .
فقال له الرضا عليه السلام : بنفسي فلم طال فكرك ؟ فقال : فيما صنع بأمي
فاطمة عليها السلام ، أما والله لأخرجنهما ثم لأحرقنهما ثم لأذرينهما ثم لا نسفتنهما
في اليمّ نسفا ؛

امام رضا عليه السلام به او فرمودند : چرا به فکر فرو رفتی ؟ امام جواد عليه السلام
پاسخ دادند : رفتاری که با مادرم فاطمه عليها السلام کردند مرا به فکر فرو برد .
بخدا سوگند ، آن دو نفر را از قبر بیرون می آورم ، می سوزانم و سپس
خاکستر آنها را به باد و دریا می دهم .
فاستدناه وقبل بين عينه ، ثم قال : بأبي أنت وأمي أنت لها يعني
الإمامة»^(۱) .

سپس امام عليه السلام او را در آغوش گرفتند و میان دو چشمش را بوسیدند
و فرمودند : پدر و مادرم به فدایت تو برای این کار شایسته ای . (و تو
امام خواهی شد) .

→ شرفیاب شد و عرض کرد : خانه ام دور است و نمی توانم به آسانی خدمت شما برسم از چه
کسی مسائلم را بپرسم ؟ امام عليه السلام فرمودند : از زکریا او در دین و دنیا امین است (وسایل
الشیعه ، جلد ۲۷ صفحه ۱۴۶) .
۱- بحار الانوار ، جلد ۵ صفحه ۵۹ .

شهادت عصای امام جواد علیه السلام:

یحیی ابن اکثم در سامرا قاضی بود و از دانشمندان دربار خلافت عباسی به شمار می‌رفت. او می‌گوید: با امام جواد علیه السلام در مورد مسائل علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بحث، گفتگو و مناظره داشتیم. تا اینکه روزی

«دخلتُ أطوف بقبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرأيت محمد بن علي الرضا عليه السلام يطوف به. فناظرته في مسائل عندي فأخرجها إليّ فقلت له؛

به زیارت روضه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم و امام جواد علیه السلام را دیدم که ایشان نیز به زیارت آمده‌اند. مسائلی را پرسیدم و ایشان پاسخ دادند. سپس عرض کردم:

والله إني أريد أن أسألك مسألة وإني والله لأستحيي من ذلك. فقال لي: أنا أخبرك قبل أن تسألني.

بخدا سوگند، می‌خواهم از شما سؤالی بپرسم اما شرم دارم. امام علیه السلام فرمودند، پیش از آنکه بپرسی من سؤالت را بازگو می‌کنم.

تسألني عن الإمام، فقلت: هو والله هذا. فقال: أنا هو، فقلت: علامة؟

امام علیه السلام فرمودند: پرسشات در مورد امام است. عرض کردم: بخدا سوگند پرسش همین بود. امام علیه السلام فرمودند: من امام هستم، پرسیدم: علامت آن چیست؟

فكان في يده عصا فنطقت وقالت: إن مولاي إمام هذا الزمان وهو الحجة ^(۱).

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۳۵۳.

در دست ایشان عصایی بود که به سخن در آمد و گفت: مولای من امام
و حجت این زمان هستند.

به همان دلیلی که می‌پذیریم عصای حضرت موسی علیه السلام، سحر جادوگران
را بلعید و آن مطلب را انکار نمی‌کنیم، همینطور می‌پذیریم که عصای امام
جواد علیه السلام به امامت ایشان شهادت دهد. ما به حکم ایمان خود بین این دو واقعه
هیچ تفاوتی نمی‌گذاریم و به هر دو باور و اعتقاد داریم.

تمام ائمه علیهم السلام نشانه‌های بزرگ الهی هستند اما تنها امیرالمؤمنین علیه السلام و
امام جواد علیه السلام در یک لقب مشترک هستند که در زیارت نامه هر دو آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ الْعَظْمَى»^(۱).

سلام بر تو ای نشانه بزرگ خداوند.

تمام ائمه علیهم السلام نشانه‌های بزرگ خداوند هستند اما فقط در مورد این دو
بزرگوار علیهم السلام تصریح شده است.

مناظره امام جواد علیه السلام با ابن اکثم:

مأمون قصد داشت دخترش را به عقد امام جواد علیه السلام در آورد اما بنی عباس
اعتراض کردند. به همین دلیل مأمون حيله‌ای اندیشید و گفت با حضور
امام جواد علیه السلام مجلس مناظره تشکیل می‌دهم. اگر امام جواد علیه السلام پیروز شد،
بنی عباس به ازدواج رضایت می‌دهند و اگر شکست خورد، آبروی او می‌ریزد. او در
هر دو صورت خود را پیروز میدان می‌دید. مجلس مناظره برگزار شد و یحیی ابن اکثم

۱- المزار، صفحه ۲۰۶ زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و بحار الانوار، جلد ۹۹ صفحه ۲۱ زیارت
امام جواد علیه السلام.

با سخت‌ترین سؤال‌ها آمده بود که ناتوانی امام جواد علیه السلام را ثابت کند. یحیی از مأمون اجازه گرفت و از امام جواد علیه السلام پرسید:

« ما تقول في محرم قتل صيدا ؛

نظر شما در رابطه با کسی که احرام بسته است و صیدی را بکشد چیست ؟

امام جواد علیه السلام در پاسخ، پرسش فوق را به یازده جزء تقسیم کرده

فرمودند:

« قتلہ فی حلّ أو فی حرم ؟ عالماً أو جاهلاً ؟ عمداً أو خطأ ؟ عبداً أو حرّاً ؟ صغيراً أو كبيراً ؟ مبدئاً أو معیداً ؟ من ذوات الطیر أو من غیرها ؟ من صغار الصيد أو من کبارها ؟ مصرّاً علیها أو نادماً ؟ باللّیل فی وکرها أو بالنهار عیاناً ؟ محرماً للحجّ أو للعمرة ؟

صید را در حرم کشته است یا نه ؟ عالم به حکم بوده است یا جاهل ؟ عمداً بوده یا ندانسته ؟ قاتل برده بود یا آزاد ؟ کودک بوده یا بزرگسال ؟ بار نخست بوده یا نه ؟ صید پرنده بود یا نه ؟ کوچک بود یا نه ؟ قاتل پشیمان شد یا نه ؟ در شب و در لانه‌اش آن را کشت یا در روز ؟ احرام او برای حجّ بوده است یا عمره ؟

پس از اینکه امام جواد علیه السلام این فروع را بیان کردند، یحیی ابن اکثم حیرت زده خاموش شد و سخنی نگفت^(۱).

هنگامی که امام علیه السلام در جایگاه نورانیت قرار دارد، مسائلی از این دست بسیار طبیعی و عادی است، زیرا جهان خلقت و آفرینش، در محضر آنان خلق

۱- بحار الانوار، جلد ۱۰ صفحه ۳۸۲.

شده است. و چیزی از نظر آنان غایب و مخفی نمی‌باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام و شتاب در پاسخ:

روزی عمر (علیه ما علیه) به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد:

«إِنَّكَ لتعجل في الحكم والفصل للشيء إذا سئلت عنه؛

شما در پاسخ مسایل مورد سؤال عجله می‌کنید.

فأبرز عليّ كفه وقال له: كم هذا، فقال عمر: خمسة، فقال: عجلت أبا

حفص، قال: لم يخف عليّ؛

امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را به عمر (علیه ما علیه) نشان دادند و

فرمودند: چند تا است؟ عمر (علیه ما علیه) عرض کرد: پنج تا.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زود پاسخ دادی و عجله کردی. عمر

(علیه ما علیه) عرض کرد: چیزی بر من پنهان نبود.

فقال علي علیه السلام: وأنا أسرع فيما لا يخفى عليّ»^(۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من هم در پاسخی که برایم پنهان نیست

شتاب می‌کنم.

آیا چیزی از ائمه اطهار علیهم السلام مخفی و پنهان می‌باشد؟ تمام ممکنات و

عالم خلقت از وجود مبارک و مقدّس آنان مستفید^(۲) و مستفیض^(۳) شده است، و

همه چیز در دست و به اختیار آنان است.

۱- بحار الانوار، جلد ۴۰ صفحه ۱۴۷.

۲- مستفید: بهره‌مند، فایده‌گیرنده (فرهنگ معین).

۳- مستفیض: طالب فیض، فیض‌برنده (فرهنگ معین).

آموزگاران خلاق:

معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ معلم و مربی همه عالم خلقت هستند. در این رابطه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

« فسيحنا فسيحت الملائكة وهللنا فهللت الملائكة »^(۱).

ما خداوند را تسبیح نمودیم سپس فرشتگان و ما خداوند را به یکتایی یاد کردیم آنگاه فرشتگان.

تمام ملائکه و موجودات عالم ما فوق از پیروان و شیعیان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ﴾^(۲).

و ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ جزء پیروان او بود.

در برخی از تفاسیر آمده است که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز از شیعیان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می باشد^(۳).

هر چند حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ تقدّم طولی و زمانی بر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد اما از ایشان تأخر عرضی دارد. یعنی مقام و مرتبت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ والاتر از تمام انبیاء به جز نبی خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

۱- بحار الانوار، جلد ۲۴ صفحه ۸۹.

۲- سوره صافات، آیه ۸۳.

۳- مدینه المعجز، جلد ۳ صفحه ۳۶۵.

کروبیان، پیروان امیرمؤمنان علیه السلام:

حضرت موسی علیه السلام خداوند متعال را به اسم ربّ مخاطب قرار داد و عرض کرد: خداوندا! تو تربیت کننده همه مخلوقات هستی، می‌خواهم تجلی ربوبیتات را نظاره کنم:

﴿قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ﴾^(۱).

(موسی علیه السلام) عرض کرد: پروردگارا! خودت را به من نشان ده تا تو را ببینم.

خداوند متعال در پاسخ به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

﴿قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَحَرَّ مُوسَى صَعِقًا﴾^(۲).

پروردگار فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، ولی به کوه بنگر اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن راهمسانِ خاک قرار داد و موسی علیه السلام مدهوش به زمین افتاد.

خداوند فرمود: ﴿لَنْ تَرَانِي﴾^(۳)، یعنی هرگز مرا نخواهی دید. کوه توان

تجلی ربوبیت خداوند را نداشت و از هم فرو پاشید، اگر خداوند با تجلی الوهیت بر کوه جلوه می‌کرد، چه اتفاقی رخ می‌داد!؟

۱- سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

۳- لن گاهی اوقات معنای نفی ابدی را می‌رساند (شرح عوامل در نحو).

برای روشن تر گردیدن این آیه به روایتی از امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:
 «إِنَّ الْكَرَوْبِيِّينَ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا مِنَ الْخَلْقِ الْأَوَّلِ جَعَلَهُمُ اللَّهُ خَلْفَ الْعَرْشِ، لَوْ
 قَسَمَ نُوْرٌ وَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَكَفَاهُمْ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مُوسَى عليه السلام لَمَّا
 سَأَلَ رَبَّهُ مَا سَأَلَ، أَمَرَ وَاحِدًا مِنَ الْكَرَوْبِيِّينَ فَتَجَلَّى لِلْجَبَلِ وَجَعَلَهُ دَكًّا»^(۱).
 کروبیان گروهی از نخستین شیعیان ما هستند که خداوند آنان را در
 ورای عرش قرار داده است. اگر نوری یکی از آنان را به زمین بتابد، اهل
 زمین دیگر نیازی به نور ندارند. سپس فرمودند: هنگامی که حضرت
 موسی علیه السلام از خداوند درخواست تجلی کرد، خداوند متعال به یکی
 از آنان دستور داد که بر کوه تجلی کند پس با نور او کوه از هم فرو
 پاشید.

وقتی نور یکی از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام کوه را متلاشی می‌کند، نور
 خود امیرالمؤمنین علیه السلام چه توان و قدرتی خواهد داشت؟
 امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:
 «أَنَا الَّذِي يَصَلِّي عَيْسَى خَلْفِي»^(۲).
 من آن کسی هستم که عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می‌کند.

جاهلان گذشته و حال:

ائمة اطهار علیهم السلام در مقام نورانیت به همه عالم اشراف دارند. اما متأسفانه
 این بزرگواران در چه عصر و زمانی می‌زیستند؟ قدر آنان را نمی‌دانستند، و به

۱- بصائر الدرجات، صفحه ۸۹ و تفسیر صافی، جلد ۲ صفحه ۲۳۵.

۲- مشارق انوار الیقین، صفحه ۲۷۰.

جای استفاده از علوم متصل به علم الهی سؤالات پیش پا افتاده از آنان می‌پرسیدند.

امیرالمؤمنین علیه السلام بارها فرمودند:

«سلوني قبل أن تفقدوني»^(۱).

پیش از آنکه مرا از دست دهید، پرسشهایتان را بپرسید.

اما نادانی چون سعد بن ابی وقاص می‌پرسد: چند مو در سر و صورت من وجود دارد^(۲)؟!

امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به سینه خود اشاره می‌کردند و می‌فرمودند:

«إن ههنا لعلماً جمّالو وجدت له حملة»^(۳).

در این جا علم فراوانی است، ای کاش جوینده‌ای برای آن می‌یافتم.

نه در گذشته و نه در حال حاضر و نه در آینده کسی قدر آنان را شناخت و نمی‌شناسد و نخواهند شناخت. امروزه ما با گروهی معاند، لجوج و نادان مواجه هستیم که فتوی و دستور ویرانی قبور مطهر آنان را می‌دهند. این طرز تفکر و اندیشه منحط^(۴) یک ننگ بسیار بزرگ بر دامن بشریت است.

هنگامی که یزید (لعنه الله) در برابر اسراء و خانواده سید الشهداء علیهم السلام به سر مطهر و مبارک ابا عبدالله علیه السلام جسارت می‌کرد، یک یهودی گفت: شما با فرزند پیامبرتان اینگونه رفتار می‌کنید؟ اگر از حضرت موسی علیه السلام نواده‌ای در حال حاضر

۱- ارشاد، جلد ۱ صفحه ۳۵ و منابع اهل تسنن: کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۱۶۵.

۲- امالی صدوق، صفحه ۱۹۶.

۳- بحار الانوار، جلد ۶۵ صفحه ۲۲۴.

۴- منحط: پست، پایین (فرهنگ معین).

موجود بود شاید او را عبادت می‌کردیم^(۱).

هر از چند گاهی سخنان سخیف آنان به گوش می‌رسد. حال فتوی داده‌اند که باید همانند سامرا، نجف و کربلا را با خاک یکسان نمود، زهی تفکر باطل و اندیشه سخیف.

جای تعجب و شگفت از کسانی است که می‌خواهند با این موجودات کور دل و پست، باب گفتگو و مراوده باز کنند!! انسان خفته را می‌شود از خواب بیدار کرد، اما کسی که خود را به خواب زده است هرگز بیدار نخواهد شد.

اینان و سر دسته‌هایشان از روز نخست سوگند خورده‌اند که توحید و یاد اهل بیت علیهم‌السلام را به خاک بسپارند، مگر معاویه (لعنه الله) آنگاه که شهادت بر رسالت از بانگ مؤذن به گوش رسید، نگفت:

« لا والله دفناً دفناً »^(۲).

به خدا سوگند آن را به خاک می‌سپارم.

این گونه فتواها از کسانی که در سرزمین وحی زندگی می‌کنند و حاکم‌شان خود را خادم الحرمین می‌نامد به هیچ وجه پسندیده و زیبا نیست.

انشاء الله خداوند شر آنها را به خودشان باز گرداند، ریشه وهابیت و سلفیان را بخشکاند و پرچم ولایت و امامت که مظهر توحید و یکتاپرستی است را هر چه زودتر بر روی زمین به اهتزاز در آورد.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱- بحار الانوار، جلد ۴۵ صفحه ۱۳۹.

۲- بحار الانوار، جلد ۳۳ صفحه ۱۷۰ و منابع اهل تسنن: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۵ صفحه ۱۳۰.

خودآزمایی:

- ۱) ایمان به غیب که یکی از نشانه‌های متقین است را توضیح دهید.
- ۲) آیا ایمان به معجزات انبیاء علیهم‌السلام ضروری است؟ چرا.
- ۳) بطور خلاصه داستان ولادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بنویسید.
- ۴) به چه دلیل تلاوت قرآن بیش از نزول آن توسط امیرالمؤمنین علیه‌السلام پذیرفتنی است.
- ۵) با توجه به آیه آخر سوره کهف دو بعد شخصیتی امام علیه‌السلام را بیان کنید.
- ۶) بُعد نورانی ائمه علیهم‌السلام را توضیح دهید.
- ۷) امام جواد علیه‌السلام در مورد دو نفری که به حضرت زهرا علیها‌السلام ستم روا داشتند، چه فرمودند؟
- ۸) ابن اکثم از امام جواد علیه‌السلام چه پرسشی داشت؟ پاسخ و نشانه امام علیه‌السلام چه بود؟
- ۹) چرا امیرالمؤمنین علیه‌السلام پاسخ پرسش‌ها را به سرعت بیان می‌فرمودند؟
- ۱۰) کرویّان چه کسانی هستند و پیروان چه کسی می‌باشند؟
- ۱۱) فتوای علمای وهّابی بر تخریب حرم مطهر ائمه علیهم‌السلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

... نه در گذشته و نه در حال حاضر و نه
در آینده کسی قدر آنان را نشناخت و
نمی شناسد و نخواهند شناخت . امروزه
ما با گروهی معاند ، لجوج و نادان مواجه
هستیم که فتوی و دستور ویرانی قبور مطهر
آنان را می دهند . این طرز تفکر و اندیشه
منحط یک ننگ بسیار بزرگ بر دامن
بشریت است .

(صفحه ۲۵ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳